

جنبش کارگری

گفتگوی نشریه کار با حسین مقدم فعال سیاسی و فعال جنبش کارگری ایران

نشریه کار

شنبه ۹ خرداد ۱۳۸۸

متن زیر گفتگوی نوشتاری نشریه کار با حسین مقدم فعال سیاسی و فعال جنبش کارگری ایران، پیرامون جنبش کارگری می باشد. با سپاس از حسین مقدم، این پرسش و پاسخ را با هم دنبال می کنیم.

نشریه کار- وضعیت مبارزات و مطالبات کارگری در حال حاضر چگونه است، و چشم انداز شما در این مورد چیست؟
حسین مقدم- در مورد سؤال شما ابتدا باید واقعیتی عینی و قابل لمس را بیان نمایم. طبقه سرمایه دار برای کسب ارزش اضافی و حداکثر سود، نیازمند نیروی کار کارگران، با ارزانترین قیمت است. تا با انباشت و صدور سرمایه به روند سیستم سرمایه داری و بسط و گسترش استثمارگرانه سیری ناپذیرش تداوم دهد. متقابلاً طبقه کارگر نیز در جامعه طبقاتی برای امرارمعاش روزانه، جبراً نیروی کارش را بعنوان کالا به طبقه سرمایه داری فروشد. بنابر این مبارزه روزمره طبقه کارگر برای امرار معاش و کسب حداقل نیازمندی های روزانه، به مبارزه با بورژوازی گره خورده است.

از این دیدگاه، در پاسخی دقیقتر در مورد وضعیت و چگونگی مبارزات و مطالبات کارگران در ایران باید علت را ریشه یابی کرد. که چرا جامعه با فقر، فساد، فحشاء، دزدی، اعتیاد، زور، ظلم و ستم و استثمار روبرو است؟ چرا رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به خواستها و مطالبات جنبش های اعتراضی، بویژه جنبش کارگری نمی تواند پاسخگو باشد؟ چرا رژیم ضد کارگر و زن ستیز حاکم بر ایران، فعالان این جنبش ها را اخراج، دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام می کند؟

لذا یکی از وظایف مهم نیروهای مدافع طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری ریشه یابی این معلول ها است. بنابراین، ما باید بررسی نمائیم که در اوضاع کنونی، رژیم جمهوری اسلامی چه برنامه و سیاست اقتصادی را برای پیشبرد اهدافش بکار می برد؟ سپس با تجزیه و تحلیل طبقاتی، ماهیت برنامه اقتصادی رژیم را افشاء نمائیم. تا آنگاه دلیل اثباتی واژگونی رژیم جمهوری اسلامی از دیدگاه رادیکال طبقه کارگر دقیقاً روشن گردد. در اوضاع کنونی، رژیم جمهوری اسلامی (مستقل از هر جناحی که در رأس حاکمیت باشد) برنامه سیاست تعدیل اقتصادی را باصطلاح برای برون رفت از بحران در دستورکار و اجرا قرار داده است.

محورهای مهم برنامه سیاست تعدیل اقتصادی عبارتند از: ۱- کاهش سرمایه گذاری بخش دولتی. ۲- افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی. ۳- حذف سوبسیدها. ۴- تک نرخی کردن ارز. ۵- کاهش تعرفه های گمرکی. ۶- فراهم کردن امنیت و تسهیلات برای سرمایه گذاری خارجی. ۷- تعدیل نیروی انسانی بویژه در کارخانجات و...
سیاست تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۶۸ در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به اجرا گذارده شد و طرح

خصوصی سازی، در اردیبهشت ۱۳۷۰ بتصویب هیئت وزیران رسید. بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی به سرمایه داران بخش خصوصی، تا حد واگذاری شرکت های صادره شده به صاحبان قبلی، بوسیله دولت به اجرا درآمد. در اینجا لازم است اندکی در مورد تأثیر و اجراء سیاست تعدیل اقتصادی بر افزایش ثروت سرمایه داران به بهاء فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان ایران توضیح دهم:

صاحبان کارخانه ها، برای کسب ارزش اضافی و سود بیشتر شیوه های متفاوتی را اتخاذ می کنند از جمله:

۱- با افزایش سختگیری و فشار بر کارگران، مزایای رفاهی شان را کاهش می دهند. ۲- سیاست تعدیل نیروی انسانی یعنی اخراج را تحت پوشش به اصطلاح نیروی مازاد به پیش می برند. ۳- بکارگیری کارگران قراردادی و عدم استخدام آنها، تا در هر موقعیتی بتوانند بدون هیچگونه خسارت اخراجشان نمایند. ۴- بدون رعایت مسایل ایمنی با به خطر انداختن جان کارگران، با دستکاری ماشین آلات، سرعت دستگاهها را خارج از استاندارد بالا می برند تا تولید را افزایش دهند. ۵- به عناوین و روشهای گوناگون با برقراری اضافه کاری اجباری، ساعات کاری کارگران را افزایش می دهند. ۶- کارفرمایان بخشی از دستمزد واقعی کارگران را تحت عنوان مزایا، از قبیل حق بهره وری، حق اولاد، خواربار، مسکن و... بصورت نقدی و بخش دیگری از آنرا بصورت جنسی به کارگران می پردازند. درواقع این شیوه پرداخت، به کارفرمایان اجازه می دهد تا در هر موقعیتی این بخش از دستمزدها را مورد تعرض قرار داده، همه یا بخشی از آنرا حذف نماید.

۷- **کنتراتی کردن کارها**، این شیوه، کارگران را مجبور می کند تا تولید را تا حد معینی در روز برسانند. ۸- پرداخت پاداش و بخشی از حقوق کارگران را، منوط به کار و تولید هرچه بیشتری کنند ۹- کارفرمایان و صاحبان سرمایه، بخشی از کار را بصورت کنتراتی به کارگران بیرون از کارخانه واگذار می کنند و در واقع بسیاری از حق و حقوق قانونی کارگران شاغل به این کارگران تعلق نمی گیرد و موجب کاهش هزینه و افزایش سود بنفع کارفرمایان می گردد. ضمن اینکه کارفرما در صورت عدم نیاز، بامشکلاتی بعنوان اخراج، بازخرید و بازنشست مواجه نیست. خانه خود کارگر، کارگاه محسوب می شود و مجبور نیست فضائی را با امکانات و غیره به او اختصاص دهد. در نتیجه، بدون محدودیت زمانی و مکانی، آنان را به **شدیدترین وجهی استثمار می کند. بنابراین، در یک جمع بست کلی علت بحران، تورم، گرانی، افزایش فاصله طبقاتی و سیر صعودی هزینه های مسکن، دارو، درمان، سوخت، پوشاک و فقر و فلاکت حاکم بر کشور و همه سئوالات مطرح شده در بالا را باید در پیشبرد اتخاذ سیاست تعدیل اقتصادی سیستم سرمایه داری بوسیله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی با همکاری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و اجرای دولت براساس نیاز، مستثنا از هر جناحی که در رأس امور باشد ارزیابی نمود.**

بهمین دلایل خواست ها و مطالبات جنبش کارگری: امنیت شغلی، لغو قراردادهای پیمانی و استخدام رسمی، دریافت حقوق معوقه، بیمه بیکاری و بازنشستگی، آزادی بیان، عقیده، اعتصاب، افزایش دستمزد متناسب با تورم و ایجاد تشکل های مستقل کارگری، در مبارزه با کارفرمایان و دولت است، که به روش و طرق گوناگون در جریان مبارزات عملی در صدر سایر جنبش های اعتراضی قرار گرفته است و حقانیتش را در پراتیک مبارزات روزمره با دادن هزینه های سنگین به اثبات رسانده است.

اوج مبارزات کارگران ایران را می توان در دهه ۱۳۸۰، بویژه شرکت وسیع کارگران در جشن های اول ماه مه

(۱۱ اردیبهشت)، به همراه تنظیم قطعنامه ها و سخنرانی های رادیکال در مجامع و سالن ها و در گلگشت های گروه های کوهنوردی در سال ۱۳۸۲ دانست. تأسیس مجدد سندیکای شرکت واحد در سال ۱۳۸۴ با اتکاء به نیروی خود کارگران با مبارزات سخت و پیگیرانه و تشکیل مجامع عمومی بیش از ۵۰۰۰ نفر بدون کسب مجوز از حاکمیت، گام مهمی در عرصه مبارزات جنبش کارگری در شرایط ویژه ایران دانست. اعتصاب رانندگان شرکت واحد با فشار از پائین و رهبری نمایندگان سندیکا که انعکاسی جهانی داشت از گامهای ارزنده و درخشان تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران ایران می توان به شمار آورد. آخرین ثمره تداوم مبارزات تاکتونی جنبش کارگری، تأسیس سندیکای شرکت هفت تپه را می توان نام برد.

جنبش کارگری در دهه هشتاد با تشدید نقد و افشاء انجمن ها و شورای اسلامی و خانه کارگری ها و منزوی کردنشان در محیط کار از یکطرف و همچنین از ارسال نامه، طومار، اعتصاب، تحصن، تظاهرات، راهبندان، گروگان گرفتن مدیریت کارخانه و نمونه هایی از اشغال کارخانه و کنترل کارگری از طرف دیگر، با خواست ها و مطالبات مختلف، در ابعادی بسیار وسیع گامهای مثبتی برداشت.

تلاش پیگیرانه کارگران بویژه فعالین کارگری در تداوم مبارزاتشان علی الخصوص در ایجاد نهادها و تشکلهای مستقل کارگری توده ای طبقاتی در محل کار و محیط زیست، با اتکاء به خود کارگران بدون کسب مجوز از دولت همچون: کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، اتحاد کمیته های کارگری که به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری پیوست، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، هیئت موسسان سندیکا های کارگری، شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری، کانون مدافعان حقوق کارگر، اتحادیه آزاد کارگران ایران و غیره، تا ایجاد دو سندیکای بزرگ شرکت واحد اتوبوس رانی و شرکت نیشکر هفت تپه را در جهت اهداف طبقاتی شان، می توان بطور نسبی در روندی رو به رشد و شکوفائی ارزیابی نمود. از این دیدگاه، چون رژیم ارتجاعی نمی تواند به خواست ها و مطالبات جنبش های اعتراضی اعم از زنان، معلمان، دانشجویان و... پاسخ گوید سیاست سرکوب و ترور را پیش گرفته است. به همین دلیل برای جلوگیری از روند نسبی رادیکالیزه شدن و بسط و گسترش و همکاری این جنبش های اعتراضی، سیاست تهدید، اخراج، زندان، شکنجه و کشتار فعالین سیاسی شان را برای ایجاد رعب و وحشت به اجرا در می آورد.

علی رغم مبارزات متعدد کارگری، اگر از موارد محدود و استثنائی بگذریم، در اکثر موارد، سرمایه داران و کارفرمایان به مطالبات کارگران رسیدگی نمی کنند و این خواست ها، تحقیایافته باقی می ماند، چه راهی وجود دارد برای اینکه کارگران بتوانند مطالبات خود را بر سرمایه داران تحمیل کنند؟

من، با محتوا و مضمون سؤال فوق موافقم، اما بنظر من با توجه به تحلیل مشخص از شرایط مشخص و مجموعه مبارزاتی که کارگران تا کنون به پیش برده اند، تحقق مطالبات شان موارد معدود و استثنائی نبوده است. یقیناً همه می دانیم که ما در شرایط دموکراسی نیم بند دهه بیست تا سی نبوده ایم، یا در شرایط اعتلاء انقلابی هم نیستیم. ما در شرایط استبداد و سرکوب بسر می بریم. کارگران در شرایط ترور و رعب و وحشت بوسیله رژیم ارتجاعی برای گرفتن حق و حقوقشان در آتش و خون، در بطن تغییر و تحولات جامعه بپا خاسته و هزینه های سنگینی را تقبل و تحمل نموده اند. اما، نه کشتار خاتون آباد، نه به گلوله بستن کارگران بندر دیلم، نه سرکوب، به بند کشیدن و اخراج

کارگران سندیکای شرکت واحد، و نه به زندان بردن فعالان اول ماه مه سقز، نه فشار و تهدید شرکت لاستک کیان تایر، نه به بند کشیدن نمایندگان سندیکای هفت تپه، هیچکدام نتوانست مانع پیشروی و ایجاد خللی در اراده استوار کارگران، فعالین و پیشروان جنبش کارگری گردد. بطوریکه ما شاهد بزرگترین و وسیعترین اعتراضات و اعتصابات کارگری در این چند سال اخیر بوده ایم و به جرئت می توان گفت که، در تاریخ جنبش کارگری ایران و منطقه بی سابقه بوده است. بنابراین، باید برای مبارزات و دستاورد های درخشان جنبش کارگری با تمام فراز و نشیب هایش ارزش و اعتباری خاص قائل شویم.

اما کاملاً با شما موافقم که انبوهی از خواست و مطالبات کارگران تحقق نیافته است. بنظرم مدافعین جنبش کارگری برای ارائه راه حل، با توجه به واقعیت های عینی باید از موضع مستقل طبقاتی و از دیدگاه طبقه کارگر به جمع بست بنشینند. تا با اتخاذ تاکتیک انقلابی بر اساس استراتژی مشخص و تبلیغ و ترویج افکار رادیکال و افشاء ماهیت توطئه گرانه بورژوازی در همه ابعاد و زدودن انحرافات از درون جنبش کارگری با مباحث اثباتی و استدلالی و اقناعی، بمبارزه با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری بر خیزند، تا به اهداف طبقاتی شان نائل آیند. در غیر اینصورت، در سطح ماندن و به معلول برخورد کردن و در زمین بورژوازی بازی کردن است. یعنی کارگران را بار دگر برای کسب هژمونی جناح دیگری از سرمایه، به زائده نظام بورژوازی تبدیل کردن، که خیانتی بس بزرگ به آرمان و اهداف طبقاتی طبقه کارگر است.

بنابر این، باید کاملاً شفاف و روشن بیان شود که ساختار اقتصادی و شیوه مسلط تولیدی جامعه ایران چیست ؟ تا بر این اساس، مرحله انقلاب و تاکتیک و استراتژی جنبش کارگری از موضع طبقاتی طبقه کارگر مشخص گردد. یعنی بدون تجزیه و تحلیل طبقاتی و تعیین مرحله انقلاب، شناخت دوستان و دشمنان انقلاب و طبقه کارگر و اتخاذ تاکتیک در خدمت استراتژی انقلابی برای کسب نیرو و قدرت، نمی توان از پیروزی طبقه کارگر سخنی بمیان آورد. من با تئوری جنبش کارگری و نیروها و رفقای که بدرستی ساختار اقتصادی و شیوه مسلط تولیدی در ایران را سرمایه داری ارزیابی می کنند از جمله رفیق خوبم محمد حسین در کتاب یک قرن مبارزه طبقاتی در ایران، کاملاً موافقم. بنابراین، تضاد اصلی و عمده در ایران، تضاد کار و سرمایه یعنی تضاد بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار است. لذا راه حل مشکلات برای برون رفت از بحران بدست طبقه کارگر و تبلیغ و ترویج سوسیالیسم است و بس.

بدین سبب در ابتدای پاسخ به سؤال اول، برنامه تعدیل اقتصادی را مورد بررسی قرار دادم، تا اساس سیستم سرمایه داری و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و کارفرمایان، که کسب ارزش اضافی و حداکثر سود از نیروی کار کارگران و زحمتکشان است را، افشاء نمایم.

مدافعین طبقه کارگر نباید هیچگونه توهمی نسبت به دولت و کارفرمایان و نهادهای بین المللی مدافع سیستم سرمایه داری داشته باشند. چون اساس عملکرد شان، چپاول و ستم و استثمار است نه تحقق خواست ها و مطالبات کارگران. ما باید از تمام مطالبات و خواست های کارگران و زحمتکشان دفاع کنیم. اما نباید خودمان را در چارچوب بورژوازی محدود نمائیم بلکه، فراتر از بورژوازی، برای لغو مالکیت خصوصی و الغای نظام کارمزدی گام برداریم. پیشروان و فعالین جنبش کارگری ایران در چند ساله اخیر با استفاده از تجارب گذشته، قدم به قدم در حین مبارزه با کارفرمایان و دولت، پاره ای از توهمات کارگران را شکستند و روند رو به رشد جنبش کارگری را بطور

نسبی رادیکالیزه کردند. که در بحث موانع و چگونگی ایجاد تشکل مستقل کارگری می توان رویش خم شد. بنابراین با جمع بست از گذشته و با تکیه روی نکات مثبت و بر طرف کردن نکات منفی، برای رسیدن به اهداف و ارائه راه حل منطقی، با هم، نکات مثبت عملکرد تا کنونی جنبش کارگری را مختصراً بررسی می نمائیم:

۱- توهم کارگران در نامه نگاری به مسئولین نظام، چشم دوختن به وعده و وعیدهای مجریان رژیم، مجوز ایجاد تشکل مستقل کارگری از بالا و مذاکرات پاره ای از نمایندگان شان در اتاق های در بسته با تکیه به جناحی از حاکمیت، در حین مبارزات عملی به نسبت زیادی شکسته شده است.

۲- توهم زدائی کارگران نسبت به تشکل های قانونی رژیم، اعم از شورای اسلامی، انجمن اسلامی و خانه کارگر.

۳- کارگران که همواره جهت دریافت مطالبات شان از راه های قانونی اقدام می کنند، بدلیل عدم پاسخگوئی مسئولان و کارفرمایان در جریان عمل، به راه های فرا قانونی چون تجمعات، اعتصاب، تظاهرات جلوی کارخانه، آتش زدن لاستیک ها و راه بندان تا تظاهرات و... کشیده شده اند.

۴- دفاع کارگران از خواست ها و مطالبات شان، و سپس اعتراض به دستگیری فعالین کارگری، نمونه خوش کارگران بارش اصفهان پس از دریافت موفقیت آمیز حقوق معوقه، جهت آزادی فعالین دستگیر شده به خیابان ها آمدند و موفق نیز شدند.

۵- اقدامات اعتراضی در دفاع از کارگران سقز، به جرم برگزاری جشن اول ماه مه بوسیله کمیته های کارخانجات تهران و نهادهای کارگری و... که ابعادی جهانی یافت.

۶- ایجاد دو تشکل بزرگ سندیکائی در محل کار و ایجاد چندین نهاد کارگری در محیط زیست بوسیله کارگران اخراجی و فعالین کارگری برای بستر سازی و زمینه سازی تشکل های کارگری، با اتکاء به نیروی خود کارگران.

۷- نقش مثبت همکاری بعضی از نهادها و فعالین و پیشروان کارگری، بویژه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در ایجاد سندیکای هفت تپه، با اتکاء به نیروی خود کارگران، بدون مجوز از حاکمیت و زدودن انحراف به راست ایجاد انجمن صنفی بوسیله پاره ای از کارگران در کارخانه و عناصری خارج از محیط کار، کتمان کردنی نیست.

۸- تداوم مبارزه طبقاتی جنبش کارگری ایران در شرایط استبداد و ترور، و شکستن نسبی فضای رعب و وحشت و تاثیر عمیق جنبش کارگری بر سایر جنبش های اعتراضی و رادیکالیزه کردن شان واقعیتی است انکار نا پذیر.

۹- پیوند جنبش کارگری با جناح رادیکال جنبش دانشجویی و حمایت و پشتیبانی جنبش دانشجویی از خواست ها و مطالبات کارگران، بویژه دفاع از کارگران زندانی محمود صالحی و منصور اسانلو.

۱۰- ایجاد شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری، متشکل از سندیکای شرکت واحد و کمیته هماهنگی برای کمک و... و کمیته پیگیری و... از بزرگترین اقدامات عملی شان، برنامه ریزی و شرکت با شعار و پرچم و پلاکاردهای مستقل شان در جشن اول ماه مه استادیوم امجدیه و گرفتن جو استادیوم بود که رژیم مستأصلانه سال بعد، جشن اول ماه مه را در تهران در سالن در بسته به همراه کنترل و شناسائی افراد برگزار کرد.

۱۱- داشتن سایت، خبرنامه، گاهنامه و مقاله و... نهادها و تشکل ها و سندیکاهای مستقل کارگری و ارتباط مشخص هر کدام از این نهادها با نهادهای بین المللی و احزاب و سازمان های جهانی.

۱۲- دفاع و حمایت نهادها و احزاب بین المللی از جنبش کارگری ایران که علتش را باید در پراتیک رو به رشد جنبش کارگری دانست.

۱۳- تأثیر روند رو به رشد و اتحاد و هماهنگی جنبش کارگری ایران در خارج از کشور، از اهمیت بسزایی برخوردار است. متقابلاً روند رو به گسترش تشکل‌ها و کمپین‌های جهانی، متشکل از منفردین، فعالین شناخته شده و همچنین اعضاء نیروها و سازمان‌ها در حمایت و همبستگی از کارگران ایران دارای اهمیتی خاص است. انعکاس مبارزات جنبش کارگری ایران تا حد توان در اسرع وقت در عرصه جهانی و جذب افکار عمومی بویژه کارگران دنیا، در یاری رساندن به کارگران و جنبش کارگری ایران.

۱۴- تأثیر عمیق رادیکالیسم جنبش کارگری ایران بر نیروها و سازمان‌های چپ و کمونیست در برنامه مبارزاتی شان، بویژه در دفاع از طبقه کارگر و سوسیالیسم در مبارزه با سرمایه و سیستم سرمایه داری و عدم همکاری شان با لیبرالها و ضد انقلابیون مغلوب تحت پوشش دفاع از دموکراسی قابل توجه است.

۱۵- سیر نزولی برگزاری جشن اول ماه مه تشکل‌های قانونی حاکمیت، از خیابان‌ها به استادیوم ورزشی و سپس به سالن دربسته پانصد نفره، اما دقیقاً برعکس، سیر افزایشی جشن اول ماه مه نهادها، کمیته‌ها و تشکل‌های مستقل کارگری، از محافل، کوه، گکگشت‌های کوهنوردی به سالن‌ها و امسال مشترکاً در مرکز خیابان‌های تهران در پارک لاله بدون مجوز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱۶- رشد رو به افزایش جشن‌های اول ماه مه در ایران، همراه با محتوا و مضمون فراخوان‌ها و قطعنامه‌ها و اتحاد و همکاری نهادها و تشکل‌ها. از اتحاد و هماهنگی نهادها و تشکل‌های کارگری در برگزاری جشن اول ماه مه در پارک لاله تهران و ارسال قطعنامه، فقط همین را می‌گویم که نقطه عطفی است در تاریخ جنبش کارگری ایران. یقیناً یکی از معتبرترین اسناد بیاد ماندنی تاریخ ایران محسوب می‌شود.

بدون شک، برشمردن این نکات قوت، باعث ایجاد شور و شادی مدافعین جنبش کارگری و طبقه کارگر ایران می‌شود. من در عجبم که چگونه پاره‌ای از مدافعین طبقه کارگر از استیصال مبارزات جنبش کارگری سخن می‌گویند. یا ناله و فغان سر می‌دهند؟!

حال روی دیگر سکه، یعنی نکات ضعف جنبش کارگری را مورد بررسی قرار می‌دهم تا با برطرف کردن ضعف هایمان، برای تحقق خواست‌ها و مطالبات کارگران، کوشاتر از گذشته عمل کنیم.

۱- **پیوند با بدنه جنبش کارگری:** رشد ارتباط همه جانبه با توده کارگران و زحمتکشان در محل کار و محیط زیست، بویژه بدنه جنبش کارگری برای نفوذ در اعماق، از مبرم‌ترین وظایف ماست. که براحتی نمی‌توان از پیش بر آمد و یکی از ضعف‌های اساسی و درد بزرگ ماست.

من بر این باورم، همانطوریکه ماهی به آب نیاز دارد، ما فعالین و پیشروان و کمونیست‌ها نیز، به مردم زحمتکش و رابطه عمیق با توده کارگران نیاز داریم. لازم به یادآوری ست، بودن در محیط کار و داشتن اندیشه انقلابی کافی نیست، باید پراتیک کرد و از شکست‌ها و ضعف‌ها هراسی به دل نداشت. اندیشه صحیح، از پراتیک گرفته می‌شود و صحت و سقمش هم، در پراتیک به اثبات می‌رسد. سرچشمه افکار، پراتیک است.

۲- **آگاه سازی و ارتقاء آگاهی:** باید تلاش کنیم با اطلاع رسانی، رشد آگاهی و تکیه بر علم مبارزه طبقاتی طبقه

کارگر، از احساس به تعقل و از سطح به عمق برویم. باید کوشش نمائیم اوضاع جهانی و منطقه و ایران و حتی تغییر و تحولات جناح های رژیم و دعوای درونی شان را، برای کسب قدرت و سهم خواهی شان از استثمار و ارزش اضافی نیروی کار کارگران و زحمتکشان بزبان ساده توضیح دهیم. مشکل اصلی قانون کار جمهوری اسلامی که برگرفته از ساختار اقتصادی و سیاسی رژیم است، کاملاً بررسی شود. کارگران در عمل متوجه نارسائی قانون کار می شوند. اما، فقط نباید در جهت تغییر قانون کار مبارزه شان را به پیش ببرند، بلکه علت اصلی در ساختار اقتصادی - سیاسی رژیم است که باید تغییر کند. لذا کشیدن افراد عقبه به میانه، و میانه به پیشرو از وظایف مبارزاتی ماست. آموزش، یک نقش کلیدی است اما یک جاده یکطرفه و نخبه پرور نیست.

در حین آموزش، باید خوب بیاموزیم. رمز پیروزی و موفقیت فعالین و نمایندگان کارگری، ساده زیستن، آموختن و داشتن ابتکار عمل است.

باید از توده کارگران و زحمتکشان رؤفت و مهربانی، دوستی و صداقت، صفا و صمیمیت را همراه با قاطعیت و استقامت و رک و راست بودن را آموخت.

۳- **تشکیل پذیری و تشکل سازی:** با توجه به ضربات و انحرافات شدید نیروها و تشکل های غیر کارگری، و چه بسا خیانت های نیروهائی چون حزب توده و اکثریت، در عرصه تاریخی، تشکل پذیری و تشکل سازی در ایران را تا حدود زیادی با مشکل روبرو کرده است. اما سازماندهی یکی از وظایف بزرگ فعالین جنبش کارگری است. کارگران، بدون سازمان دهی و تشکل نمی توانند به مبارزات شان تداوم دهند و مطالبات و حق و حقوقشان را از کارفرمایان و دولت سرمایه داری بگیرند. تشکل لازم است اما کافی نیست. کارگران، در بیان خواست ها و مطالبات شان و پیگیری آن بوسیله نمایندگان و کنترل نمایندگان در عمل و گزارش دهی شان باید فعالانه دخیل باشند. در یک جمع بست، کلید مشکلات برای تحقق خواست ها و مطالبات، تشکل مستقل کارگریست که در انبوه مطالبات تا کنونی جنبش کارگری، به خواست محوری کارگران تبدیل شده است.

شما درمورد ضرورت سازماندهی کارگران و ایجاد تشکل کارگری تأکید نمودید و گفتید که کلید تحقق مطالبات کارگری، تشکل مستقل کارگری ست. لطفاً توضیح دهید موانع تشکل مستقل کارگری چیست و منظور شما از تشکل مستقل کارگری، چگونه تشکلی ست؟ آیا منظور، تشکل از نوع سندیکای کارگران کشت و صنعت هفت تپه و یا سندیکای کارگران شرکت واحد است، یا محدود به این گونه تشکل های کارگری نمی شود؟

قبل از وارد شدن به سؤال فوق، لازم می دانم در مورد موانع ایجاد تشکل های مستقل کارگری اشاره ای هر چند مختصر داشته باشم. اولین و مهمترین مانع در روند ایجاد تشکلهای کارگری استبداد و ترور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. که می توان با استفاده از تجارب انقلابات کارگری با رعایت اصول مبارزات علنی، مخفی، نیمه علنی و نیمه مخفی با همراهی نیروهای رادیکال و کمونیست مدافع طبقه کارگر این سد را شکست.

دومین مانع ساختار اقتصادی جامعه و همچنین پیشبرد سیاست تعدیل اقتصادی است. به علل فوق، بار اصلی بحران، تورم، گرانی و افزایش صعودی نرخ رشد هزینه های مسکن، خوراک، پوشاک، سوخت، دارو، بهداشت و درمان و ایاب و ذهاب بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می کند. این تولید کنندگان اصلی جامعه، مجبورند فقط بخاطر یک حداقل زندگی بخور و نمیر، دو تا سه شغله و یا دو شیفته کار کنند. که اگر بتوانیم در این زمینه

تحلیلی همه جانبه ارائه دهیم و رژیم را خوب افشاء نمائیم، تجمعات، اعتراضات و اعتصابات و... را گسترش و سازماندهی کنیم، خود به آسیب پذیرترین نقطه رژیم تبدیل می گردد. در غیر اینصورت، عامل فوق بعد از سرکوب رژیم، بعنوان یکی از اهرمهای بزرگ سد راه جنبش کارگری محسوب می شود، و سرمایه داران با هماهنگی دولت سرمایه، تلاش می کنند تا کارگران را در سیطره خود در آورند یا اینکه حداکثر، در چارچوب رفرمیسم یا سندیکالیسم، جنبش کارگری را دیکال را مهار و کنترل نمایند.

سومین مانع عدم انسجام و تشتت و پراکندگی حاکم بر جنبش است. که دارای دلایل گوناگون است که می توان در پراتیک مبارزات جنبش کارگری با به رسمیت شناختن گرایشات گوناگون درون جنبش کارگری و تداوم حرکت، روی نکات مشترک به مبارزه با دگماتیسم و سکتاریسم برخاست. حق تقدم با جنبش کارگری ست و یقیناً در پروسه عمل، فرقه گرایی در این جنبش جایی نخواهد داشت.

اما در مورد تعریف مان از تشکل مستقل: یکی از اساسی ترین مسایلی که باید در این مرحله در کنار سایر خواست ها و مطالبات، رویش خم شویم و به آن اولویت دهیم، **دفاع و حمایت از ایجاد تشکل مستقل کارگری، بعنوان تنها راه تداوم تحقق خواست ها و مطالبات جنبش کارگری است.** مستقل از سرمایه، دولت، کارفرما و احزاب، (نه ضد حزبیت بلکه تشکل کارگری نباید به تسمه نقاله احزاب تبدیل شود) پیشبرد امر ایجاد کمیته، سندیکا یا شورا و... به خود کارگران و فعالین عملی جنبش کارگری مربوط است، که باید براساس تحلیل مشخص از شرایط مشخص باشد. اما مهمترین قضیه، **مضمون و محتوای برنامه شان است که درواقع تعیین کننده است.** بنظرم بهترین آلترناتیو برای جنبش کارگری شوراست. شورا، چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ مبارزاتی با سندیکا تفاوتی کیفی دارد. شورا، نهادی در تقابل با سرمایه و سیستم سرمایه داری و دموکراسی پارلمانی، برای کسب قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر است. بنابر این، باید از جنبش شورائی و دموکراسی شورائی به دفاع برخیزیم و در تبلیغ و ترویج آن، کوشا باشیم. اما، شورا فقط نوعی تشکل نیست، بلکه آلترناتیوی کارگریست برای کسب قدرت سیاسی در **شرایط اعتلاء انقلابی.** ولی نباید اراده گرایانه در هرشرایطی به جنبش کارگری تحمیل شود. انقلابی بودن و اندیشه انقلابی داشتن، متفاوت است با آنکه اوضاع را بطور اراده گرایانه، انقلابی ارزیابی نمائیم. به اعتقاد من، نه جامعه در حال اعتلاء انقلابی است و نه جنبش کارگری تعرضی.

با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر جامعه، **جنبش کارگری نه تدافعی است و نه تعرضی، بلکه جنبش کارگری جنبشی است اعتراضی در حال گذار از تدافع به تعرض.** بنابرین، کار آگاه گرانه، سازمان دهی، تشکل سازی و تشکل پذیری، از موضع مستقل طبقه کارگر درستیز با بورژوازی، در الویت برنامه جنبش کارگریست. لذا در همین جا باید گفت، با توجه به شرایط سرکوب و ترور، هدف ازتشکیل سندیکا در ایران فقط بمنظور فعالیت های محدود صنفی و چانه زنی با سرمایه داران نیست. تشکیل سندیکاهای کارگری در ایران، (آنهم در مقطع کنونی)، برای کسب اعتماد و گسترش روحیه یار و مدد کاری و خرد جمعی برای پیشبرد مطالبات اقتصادی، صنفی و سیاسی درمبارزه با سرمایه، اعم از دولتی و خصوصی و افشاء کارفرما و نیروهای سرکوبگر دولتی در پروسه پراتیک است، که از پیچیدگی های خاص جامعه ماست و کاملاً تفاوت اساسی دارد با سنیکالیست ها و گرایش راست رفرمیستی و سندیکالیستی، که مبارزه شان صرفاً در چارچوب بورژوازی و سازش طبقاتی با سرمایه است. بهمین

دلیل جدای از شکل تشکل، به محتوا و مضمون حرکتها اشاره شد. سندیکا می تواند با محتوا و مضمون رادیکال، عملکرد انقلابی داشته باشد. بنابراین، تشکل هائی چون سندیکای شرکت واحد، هفت تپه و غیره را باید با همین معیارهای ارزشی سنجید. بنظرم باید از تأسیس مجدد تشکل سندیکای شرکت واحد با مجمع عمومی بیش از ۵۰۰۰ کارگر در تقابل با رژیم به دفاع برخاست.

یکی از موانع عدم تشکیل مجمع عمومی در شرایط کنونی و جدایی بین بدنه کارگری و نمایندگانش در شرکت واحد، سرکوب و اخراج کارگران و ایجاد رعب و وحشت بوسیله رژیم ارتجاعی است. اما، در این راستا سیاست های مماشات گرانه و راست روانه صنفی گرایی، قانون گرایی و سه جانبه گرایی و... بوسیله تنی چند از نماینده گان سندیکای شرکت واحد در نشست های اتاق های در بسته، راهروها و کریدورهای حزب اعتماد ملی، دفاع از رفسنجانی و خاتمی، تا رهنمود دادن کارگران به شرکت در انتخابات را نمی توان در ایجاد این شکاف، یعنی بین نمایندگان با اعضا و بدنه سندیکا، دست کم گرفت. البته با فشار اعضا از پائین و همچنین تأثیر مباحث سایر نهادهای رادیکال، خوشبختانه امسال سندیکا با دادن اطلاعیه ای موضع نسبتاً خوبی در مورد انتخابات اتخاذ نمود. نماینده گان سندیکا می توانند با دوری گزیدن از سیاست های راست روانه رفرمیستی و سندیکالیستی صنفی گرایی و سه جانبه گرایی، فاصله و شکاف بوجود آمده بین نمایندگان و بدنه و اعضا را پر نموده و در همبستگی با سایر نهادهای رادیکال کارگری همانند اول ماه مه امسال، با اتکاء به خود کارگران موفق تر از گذشته عمل نمایند. ضمناً بدنه شرکت واحد در طول مبارزات، نشان داد که از گرایشات مختلف ولی انسجام نیافته برخوردار است. ظرفیت و پتانسیل کارگران سندیکای شرکت واحد بسیار بیشتر از توان نماینده گانشان است. لذا این سر، نمی تواند بدنه اش را به پیش ببرد.

درايت و هوشیاری مبارزات کارگران در تأسیس سندیکای شرکت هفت تپه، با اتخاذ روش و تاکتیک های گوناگون مبارزاتی در جذب و همراهی وسیعترین نهادها، نیروها، سازمانها و احزاب مدافع جنبش کارگری، در تقابل با مدیریت شرکت هفت تپه و نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی با تحمل فشارهای طاقت فرسا، از ارزش های گران بها و دستاوردهای بزرگ جنبش کارگری محسوب می گردد. جلوگیری از تعطیلی کارخانه، منع فروش زمینهای زیرکشت، دریافت بخشی از مطالبات و حقوق معوقه از جمله: ۱- کمک هزینه خوراک از مبلغ ۵۰۰ به ۱۵۰۰ تومان، ۲- کمک هزینه سختی محیط زیست، ماهیانه از ۲۵۰۰ به ۱۰۰۰۰ تومان، ۳- کمک هزینه ایاب و ذهاب از ۲۴۰۰۰ به ۴۱۷۰۰ تومان، ۴- حق همسر و فرزندان از ۲۰۰۰ به ۱۳۷۲۰ تومان و... افزایش یافت. و مهمتر از همه، ایجاد سندیکای شرکت هفت تپه، خصوصاً در زمانی که مرجعین حاکم با تمام توان و قوا جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری را عریان تر از گذشته سرکوب می کردند، رمز موفقیت، نتیجه پیگیری در همکاری و همیاری مبارزه طبقاتی کارگران هفت تپه است. ضمناً آینده هیچ تشکلی را نمی توان پیش بینی کرد. گرایشات رادیکال جنبش کارگری چون کمیته هماهنگی برای کمک ... و غیره، در تلاشند تا همچون گذشته، رادیکالیسم سندیکای هفت تپه را تقویت نمایند ضمن اینکه گرایش راست رفرمیست ها و سندیکالیست ها بیکار ننشسته و در تلاشند تا اثر گذار باشند. این مبارزه طبقاتی است که در آینده واقعیت ها را عریان تر می کند. از مسائل مهم دیگر اینکه، کارگران سندیکای شرکت هفت تپه، در اوج نداری و بی پولی، دست رد به کمک هنگفت مالی پیشنهادی

سولیداریته سنتر و همچنین سلطنت طلبان زدند که می تواند یکی از ارزشهای بزرگ جنبش کارگری ایران و سندیکای شرکت هفت تپه محسوب شود. درست از همین زمان مبارزه، افشاء و مرزبندی با سولیداریته سنتر بوسیله چهره های شناخته شده جنبش کارگری ایران، از قبیل محمد حسین، هیوا، وفا و بهزاد و... همچنین نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج از کشور را باید یکی از موارد برجسته جنبش کارگری برای جلوگیری از نفوذ امپریالیسم در جنبش کارگری دانست.

در یک جمع بست کلی میتوان گفت: دوگرایش با استراتژی کاملاً متفاوت در جنبش کارگری در حال صف آرایی هستند، که هر کدام با اتخاذ تاکتیک در خدمت استراتژی، خود را تعریف و باز تعریف می کنند.

یک- گرایش راست رفرمیستی سندیکالیستی دو- گرایش رادیکالیسم جنبش کارگری

۱- یکی از مهمترین خطرهائی که از درون، جنبش کارگری را تهدید می کند رفرمیسم و سندیکالیسم است. گرایش راست رفرمیستی و سنیکالیستی، با سازش طبقاتی و مماشات با بورژوازی با تاکید بر امکان گرایی، صنفی گرایی، قانونی گرایی و سه جانبه گرایی، با تکیه به بالائی ها و شرکت در انتخابات، تا حد ارسال نماینده به پارلمان است. ضمن اینکه سیستم سرمایه داری و جناحی از حاکمیت برای امنیت سرمایه و جلوگیری از پیشروی جنبش رادیکال کارگری به ایجاد چنین تشکل های زرد و سه جانبه گرا معتقدند، نه سرکوب عریان. بنابر این، نباید به این خطر کم بهاء داده شود. با توجه به غالب بودن این تفکر در عرصه جهانی و حمایت سیستم سرمایه داری و دولتهای ارتجاعی، فدراسیونها و اتحادیه های سه جانبه گرا و زرد، سازمانهای جهانی چون آی - ال - او و همچنین نفوذ این افکار در مدافعين چپ و راستش، آنهم در شرایط استبداد و ترور که کاملاً زمینه ساز رشد چنین افکاری است، این خطر بالقوه می تواند به خطر بالفعل تبدیل گردد و با ایجاد سد و مانع، جنبش کارگری رادیکال را مهار و کنترل نمایند.

۲- رادیکالیسم جنبش کارگری، گرایشی است که از موضع مستقل طبقه کارگر، با تکیه به خود کارگران در ستیز طبقاتی با بورژوازی از مطالبات و خواستههای بحق دموکراتیک و دوره انتقالی جنبش کارگری با استراتژی مشخص دفاع می کند. اما، خود را در چارچوب سرمایه محدود نمی کند، بلکه فراتر از سرمایه برای لغو مالکیت خصوصی و اشتراکی کردن مالکیت بر ابزار تولید و با برنامه ریزی متمرکز اقتصادی و کنترل و نظارت و مدیریت کارگری با مکانیزم و آلترناتیو شورائی و در همراهی با احزاب کارگری و کمونیستی، برای الغای نظام کارمزدی و ایجاد جامعه ای عاری از ظلم، ستم و استثمار در جهت دست یابی به اهدافش گام برمی دارد.

این گرایش، ثابت نموده است که قادر است درحین پراتیک و مبارزه با کارفرما و دولت سرمایه، با به رسمیت شناختن گرایشات گوناگون درون جنبش کارگری، ضمن حرکت روی نکات مشترک، بدون پنهان کردن موارد اختلاف و پیشبرد مباحث استدلالی و اقناعی در جهت ارتقاء آگاهی مبارزه طبقاتی بنفع طبقه کارگر، گامهای اساسی بردارد.

موارد اختلافش با گرایش راست را، با مباحث اثباتی، با نقد سازنده به دور از فضای تفرقه و سوءاستفاده عوامل سرمایه و رژیم ارتجاعی به پیش ببرد. یقیناً، در مبارزه طبقاتی با نیروهای ضد انقلاب، هیچگونه بحثی نمی شود، مگر برای افشاء و منزوی کردن آنها. اما با گرایشات درون جنبش کارگری، باید دقیقاً دیالکتیکی برخورد نمود. لذا سبک کار اصولی و انقلابی را باید کاملاً رعایت نمود. یعنی، در هر پدیده باید ضمن مبارزه اضداد، به وحدت اضداد توجه داشت. بنابراین مبارزه بدون وحدت، اشتباه و انحراف به چپ و چپ روی است. همچنین وحدت بدون

مبارزه ، انحراف به راست که منجر به راست روی خواهد شد. بنابر این، می توان با مباحث استدلالی، اثباتی و اقناعی بر گرایشات نادرست فائق آمد تا بر دشمنان طبقاتیمان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری چیره گردیم.

این ستیز طبقاتی، برای کسب پیروزی رابطه مستقیم به تناسب قوا و توازن نیرو دارد. لذا، شکل پذیری و ایجاد تشکلات مستقل کارگری در مبارزه با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری برای کسب نیرو در جهت اهداف طبقاتی طبقه کارگر امری اجتناب ناپذیر است.

سازمان فدائیان (اقلیت)

نیمه اول خرداد ۸۸